



طرح‌های بزرگ و مهم چگونه ناتمام می‌مانند

ملاحظات درباره برنامه درسی ملی

دکتر فریدالدین حداد عادل



ذهن و عمل مدیران اجرایی می‌شود. وقتی پروژه‌ای که در دوره مدیریتی پیشین اهمیت زیادی داشته است، دیگر مهم نباشد، به‌طور طبیعی بودجه و توجه لازم را از دست می‌دهد.

۳. ضعف شناخت و بررسی مخاطب در اجرای طرح. گاهی برنامه‌های خیلی خوب به دلیل پذیرفته‌نشدن از طرف مخاطب، قابلیت تحقق ندارند. امروزه احوال مدرسه‌ها، دانش‌آموزان و معلمان ما به‌گونه‌ای است که برای اجرای هر طرح خوب و جامع، نیازمند تمهیدهایی بسیار زیاد و متعدد هستیم. یک برنامه ملی آموزشی، اگر خیلی هم فاخر و خوب باشد، در شرایط کنونی به‌سختی ممکن است موفق شود.

۴. فراهم‌نبودن زمینه. برنامه درسی ملی قله یک کوه مرتفع و زیباست. اما مقدمات نظری و به‌ویژه علمی و آموزشی درست آن فراهم نشده و به بدنه آموزش و پرورش ارائه نشده‌اند. هر اقدام ملی، پیش‌زمینه‌ها و مقدمه‌های متعددی نیاز دارد تا بتواند به‌خوبی اجرایی شود.

۵. توجه‌نکردن به تنوع مخاطبان. ما در عرصه مقوله کلان مدرسه با تنوع بسیار بالایی روبه‌رویم. کلاس درس نیز چنین است. هر طرح جامع لازم است برای تنوع و گسترده‌گی مخاطبان خود، مدل‌های اجرایی متفاوتی در نظر گرفته باشد، تا اقتضائات محیطی مانع تحقق موفق طرح نشوند. گاهی برنامه‌ریزان یک برنامه بزرگ از این موضوع غفلت می‌کنند و نتیجه عملی آن اجرای ناموفق طرح است.

به نظر می‌رسد، مجموعه عوامل عمومی گفته‌شده و برخی مسائل خاص طرح و شرایط عمومی آموزش و پرورش کشور موجب شده است طرح کلاس ملی همچنان غیراجرایی مانده باشد!

تنظیم برنامه درسی ملی یک اتفاق بزرگ و ضروری در عرصه سیاست‌گذاری در ریل‌گذاری برای نظام آموزشی کشور بوده است. مسئولان وقت آموزش و پرورش، مسئله حساس کلاس درس را به‌خوبی موردتوجه و دقت قرار دادند و برای آن برنامه‌ریزی کردند. عمده زمان شاگردان مدرسه‌ای در کلاس درس سپری می‌شود و در آن ساعت‌ها باید اتفاق اصلی آموزش برای بچه‌ها رخ دهد. چنین موضوع مهمی ایجاب می‌کند که کلاس و کلاس‌داری نظم و سیاق دقیقی داشته باشد تا همه امور کلاس و آموزش بدانند با چه مطالباتی روبه‌رو هستند. لیکن برنامه درسی ملی آن‌چنان که باید و شاید، در فضای آموزش و پرورش جلو رفت و بر پیکر اصلی نظام تعلیم و تربیت، یعنی معلمان، خوش ننشست.

در این چند سطر به‌طور عمومی برخی موانع اجرایی شدن طرح‌های این‌چنینی و مهم را برمی‌شماریم:

۱. نبود سازوکار اجرایی. طرح‌های خوب و کلان که هم بنیه نظری دارند و هم باید بین عموم جامعه اجرا شوند، نیازمند طراحی سازوکار اجرایی هستند. لازم است مدلی طراحی و پیش‌بینی شود که بتوان یک طرح دقیق و عمیق را تا سرشاخه‌های بدنه اجتماعی حمایت و هدایت کرد. طرح بزرگی مانند برنامه درسی ملی هنوز به مدرسه‌ها نرسیده و تا تحقق عملیاتی راه درازی در پیش دارد. این نکته یکی از دلایل ناتوانی ناظران در ارزیابی این پروژه بزرگ است.

۲. ثبات‌نداشتن نیروی انسانی متخصص در عرصه تدوین و اجرای طرح. مباحث راهبردی و عمیق، برای رسیدن به مرحله عملیات اجرا، محتاج حضور مستمر افراد و بنیان اصلی برنامه‌ریزی هستند. تغییرات متعدد مسئولان کلان امور مهم، باعث تغییر جایگاه و اهمیت طرح‌های بزرگ در